

## بررسی دیدگاه‌های امام خمینی<sup>(س)</sup> در خصوص دانشگاه از منظر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

علی کریمی فیروزجایی<sup>۱</sup>

**چکیده:** امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و از رهبران تأثیرگذار در کل تاریخ بشریت و به‌ویژه جهان اسلام است. با توجه به ماهیت فرهنگی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و نیز جایگاه دانشگاه در شکل‌گیری این فرهنگ امام خمینی همواره دیدگاه ویژه‌ای به دانشگاه و دانشگاهیان داشته و مطالب فراوانی در این باره فرموده‌اند. هدف پژوهش حاضر بررسی کلام امام از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است. روش تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوا بوده و جامعه آماری آن یکی از فرازهای امام از مجموعه سخنان امام در **صحیفه امام** است و به‌صورت هدفمند مرتبط با موضوع تحقیق انتخاب شد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در بیانات امام دو رابطه وازگانی با هم‌آیی و تقابل بیشترین کاربرد نسبت به سایر روابط معنایی دارند. بیشترین گسست‌های گفتمانی از نوع کنشگری است و گسست‌های زمانی و مکانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. واژه دانشگاه بیشترین جایگاه را در آغازگری جملات دارند و بیشترین جملات از نوع متعدی هستند. تحلیل سطح تبیینی، مبین عمق نگاه امام به این نهاد مهم اجتماعی بوده و نشان می‌دهد که در چارچوب فکری و اعتقادی امام، دانشگاه مبدأ و کانون تحولات اجتماعی و فرهنگی و محور «اصلاح یا انحراف» جامعه و «آبادانی یا ویرانی» کشور محسوب می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** امام خمینی، دانشگاه، راهبرد کلامی، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف

---

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. E-mail: alikarimif@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۹

پژوهشنامه متین/سال بیستم/شماره هفتادوهشت/بهار ۱۳۹۷/صص ۱۰۵-۱۲۶

## ۱. مقدمه

دانشگاه از مهم‌ترین ارکان آموزش و پژوهش در تمامی کشورهاست و اعتلا یا سقوط هر کشور تا حد زیادی وابسته به اندیشگان و ایدئولوژی فکری مردم در هر ملتی است که به‌طور عمده در دانشگاه‌ها نضج گرفته و گسترش می‌یابد؛ بنابراین جایگاه دانشگاه در فرهنگ و اندیشه بسیار حائز اهمیت است. دیدگاه‌های امام همواره روشنگر و چراغ هدایت بشریت و مسلمانان است. در این راستا امام خمینی که بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بوده و انقلابی فکری و معنوی را در ملت ایران و بلکه سراسر جهان رهنمون شدند، به‌طور مکرر به موضوع دانشگاه پرداخته‌اند. این پژوهش بر آن است تا سخنان امام خمینی را مورد بررسی و موشکافی از زاویه دیدگاه تحلیل‌گفتمان انتقادی فرکلاف قرار دهد. هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی دیدگاه‌های امام درباره دانشگاه به‌منظور درک بهتر مفاهیم و لایه‌های زیرین زبان است. روش تحقیق این طرح کیفی و از نوع تحلیل محتوا است. جامعه آماری تحقیق، بیانات امام به‌صورت مکتوب یا سخنرانی از *صحیفه امام* است و نمونه تحقیق، یک فراز از دیدگاه‌های مربوط به دانشگاه و دانشگاهیان به‌صورت هدفمند انتخاب می‌گردد. سپس این فراز طبق رویکرد تحلیل‌گفتمان انتقادی توصیف، تفسیر و تبیین می‌شود. سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. در سطح توصیفی برای پرداختن به موضوع دانشگاه از چه راهکارهای زبان‌شناختی در کلام امام استفاده شده است؟ ۲. در سطوح تفسیری و تبیینی کلام امام چه نگرشی نسبت به دانشگاه وجود دارد؟

## ۲. پیشینه تحقیق

درباره نظرات امام خمینی پژوهش‌هایی از دیدگاه تحلیل‌گفتمان انجام گرفته است لکن در موضوع دانشگاه از منظر امام با شیوه تحلیل‌گفتمان انتقادی، تحقیقی صورت نگرفته است و تحقیق حاضر از این حیث دارای نوآوری است. در این قسمت به برخی از آثاری که با رویکرد تحلیل‌گفتمان به دیدگاه‌های امام خمینی پرداخته‌اند اشاره خواهد شد.

- ضیایی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولت‌ها: تحلیل‌گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی» به بررسی‌گفتمان امام خمینی با روش تحلیل‌گفتمان انتقادی پرداخته شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که گفتمان امام خمینی، گفتمان تکثرگراست؛ گفتمانی که در صدد بازتولید قانون‌مداری و حقوق شهروندی است.

- شهبازی راد (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل‌گفتمان رهبری انقلاب اسلامی» به بررسی‌گفتمان امام در دوره‌های مختلف و یافتن چگونگی مفصل‌بندی دال‌های مختلف در آن

است. پژوهش، کیفی توصیفی از جنس تحلیل گفتمان لاکلا و موفه بوده و نشان می‌دهد در سراسر دوره‌های فعالیت سیاسی امام از سال ۱۳۴۰ تا پایان عمرشان، دقایق گفتمانی نسبتاً ثابتی نظیر عدالت، آزادی، استقلال و استکبارستیزی، پیشرفت و وحدت وجود داشته‌اند.

- اخوان کاظمی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «تحلیل نقش امام خمینی در استعلائی گفتمان اسلام‌گرایی در جریان انقلاب اسلامی» از رهگذر چارچوب نظری تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه، این مدعا را به اثبات می‌رساند که گفتمان اسلام‌گرا با اتکا به عاملان سیاسی قدرتمند خود، به‌ویژه رهبری امام خمینی و قابلیت‌های ویژه وی، توانست به گفتمانی هژمونیک تبدیل شده و پیروزی انقلابی با ماهیتی اسلامی را رقم بزند.

- کریمی فیروز جایی و نعیمی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی<sup>(س)</sup> بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی معنایی ون‌لیوون» با روش تحلیل زبان‌شناختی گفتمان به بررسی عدالت اجتماعی در بیانات امام از *صحیفه امام* پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در کلام امام، عناصر زبان‌شناختی تعیین نوع اشاره و تعیین نوع ماهیت بالاترین فراوانی را دارد و از مؤلفه‌های حذف و جذب بیشترین فراوانی را مؤلفه جذب دارد و شاخص‌ترین مؤلفه مشخص‌سازی در انسان‌نمایی عنصر پیونددهی است.

### ۳. مبانی نظری

گفتمان اصطلاحی است که اگرچه حوزه‌های بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد؛ هنوز تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است. یکی از دلایل این امر آن است که فهم ما از گفتمان، مبتنی بر تحقیقات مجموعه‌ای از رشته‌های علمی است که در واقع بسیار از هم متفاوت‌اند (Van Dijk 1985:8) گفتمان از نظر عضدانلو (۱۳۸۰) یکی از ابزارهای مؤثری است که برای به اسارت درآوردن زبان، پی بردن به ویژگی‌های مختلف ارتباط میان افراد و همچنین طبقه‌بندی کردن موضوعات آن‌ها استفاده می‌شود. وی گفتمان را نمایانگر تبیین زبان در ورای مقیاس‌هایی بزرگ‌تر تلقی می‌کند. سه تعریف مرسوم گفتمان عبارت است از: ۱. گفتمان قطعه‌ای از زبان با معناست که اجزای آن به نحوی به هم مربوطند و هدف خاصی دارد. ۲. گفتمان محصول ارتباط و تعامل مباشران در بافتی اجتماعی - فرهنگی است. ۳. گفتمان را به عمل گفته یا کار در مقابل محصول گفته یا متن که بازنمای ساخت صوری گفتمان است، می‌گویند. «یادمحمدی و شعیری هم تعریف گفتمان را به صورت زیر بیان می‌نمایند: «گفتمان، متن را از معنایی هدفمند و منسجم بهره‌مند می‌سازد. در واقع، متن هویت محتوایی و معنایی خود را که در جهت خاص و منسجم شکل گرفته است،

مدیون گفتمان است» (شعیری ۱۳۸۵: ۴۵). روی هم رفته و در ورای همه رویکردها به گفتمان باید پذیرفت که گفتمان قطعه‌ای زبانی و بامعناست که اجزای آن به شکلی به هم مربوطند و هدف خاصی را دنبال می‌کنند (یارمحمدی ۱۳۸۵: ۱).

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به «گفتمان‌شناسی»، «سخن کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است، یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. یارمحمدی (۱۳۹۳: ۴) بر این باور است که گفتمان از مرحله تجزیه و تحلیل که سرآغاز هر علم است گذشته و به اندازه کافی به اصول رسیده است؛ بنابراین می‌توان آن را یک علم به حساب آورد و گفتمان‌شناسی نامید. به گفته بهرام پور (۱۳۷۸) زبان‌شناسان در بحث از تحلیل گفتمان دو دیدگاه را مطرح می‌کنند: نخست، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی تحلیل واحدهای بزرگ‌تر از جمله تعریف می‌کنند. دوم، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده زبان می‌داند. تحلیل گفتمان از نگاه زلیک هریس روشی است برای تحلیل گفتار یا نوشتار و پیوسته این به معنای بسط زبان‌شناسی توصیفی به ورای محدوده جمله در یک‌زمان و در جهت ایجاد ارتباط بین فرهنگ و زبان است. به عبارتی تحلیل گفتمان، تحلیل چنین واحد زبانی بالاتر از جمله است. تحلیل گفتمان و متن، به شاخه‌ای از زبان‌شناسی جدید اطلاق می‌شود که هدف آن توصیف کلام پیوسته معنی‌دار بالاتر از جمله است (آقاگل‌زاده ۱۳۸۵: ۴۶، ۵۷)؛ و از نظر یحیایی، تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها - و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری - مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره - است (یحیایی ایله‌ای ۱۳۹۰: ۵۹).

مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان نیز عبارت است از: ۱. نشان دادن رابطه بین نویسنده متن و خواننده؛ ۲. روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن، یعنی «جریان تولید گفتمان»؛ ۳. نشان دادن تأثیر بافت متن (واحدهای زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر روی گفتمان؛ ۴. نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولیدکننده گفتمان؛ ۵. نشان دادن بی‌ثباتی معنا؛ یعنی معنا همیشه در حال تغییر است، هرگز کامل نیست و هیچ‌وقت به‌طور کامل درک نمی‌شود. ۶. آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی. تحلیل

گفتمان از بدو پیدایش همواره در صدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن، گفتار یا نوشتاری بی‌طرف نیست، بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً غیر عمدی و ناآگاهانه باشد. ۷. هدف عمده تحلیل گفتمان این است که فن و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و ... به دست آورد (یارمحمدی ۱۳۸۳: ۴).

تحلیل گفتمان انتقادی، شاخه علمی میان‌رشته‌ای در علم زبان‌شناسی است که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی حاصل برخورد با گفتمان به‌مثابه کنش اجتماعی زبان است. این نوع نگرش از بطن جامعه‌شناسی جوانه زده و گرایشی در مطالعات کلامی/گفتمانی به وجود آورده که زیر عنوان تحلیل کلام یا تحلیل گفتمان انتقادی مشهور گشته است (دبیرمقدم ۱۳۸۶: ۵۱). به عقیده تحلیل‌گران گفتمان انتقادی، هر متن متشکل از دو لایه است: لایه زیرین و لایه زبرین و وظیفه زبان‌شناس کشف، تبیین و توجیه لایه زیرین متن است (داوری اردکانی و همکاران ۱۳۹۱: ۸۵).

تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا) یک روش مطالعاتی و گرایشی بینا رشته‌ای است که از دهه ۱۹۷۰ ظهور کرده و ریشه در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرآیندهای تولید گفتار و نوشتار دارد. هم‌اکنون تگفا به دلیل بین‌رشته‌ای بودن به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استفاده واقع شد (فرکلاف ۱۳۷۹: ۷). از نظر فرکلاف هر چند زبان‌شناسی، خاستگاه اولیه تحلیل گفتمان به حساب می‌آید؛ اما تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی محدود نماند و در دهه‌های اخیر این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی به همت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، میشل پشو، لاکلاو و موفه، ون دایک، فرکلاف و سایر متفکران، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گردید و در واقع این متفکران تحلیل گفتمان را بیشتر در قالب تحلیل انتقادی گفتمان یا تگفا بسط دادند. در دهه ۱۹۷۰ گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش‌گرای هلیدی (فولر، هاج و کرس و ترو) در دانشگاه ایست انجلیا گرد هم آمدند و اولین بار در مطالعات خود پیرامون کاربرد زبان‌شناسی انتقادی در کتاب معروف خود تحت عنوان «زبان و کنترل»، این اصطلاح را به کار بردند.

در سال ۱۹۹۱ متفکرانی چون وندایک، فرکلاف، ون لیوون و وداک در دانشگاه آمستردام نظریه‌ها و روش‌های تحلیل گفتمان و به‌ویژه تحلیل گفتمان انتقادی را مورد کنکاش قرار دادند.

بر پایه همین رویداد علمی، نشست سالیانه‌ای به وجود آمد که سرآغاز جنبشی بود که به جای تکیه بر روش‌شناسی یکسان و چارچوب نظری واحد، بر پایه یک برنامه پژوهشی متکی بود (Wodak 2001:4) بنابراین روش‌های انجام کار در تگفا متفاوت است؛ اما تمام تحلیل‌گران گفتمان انتقادی بر محورهایی چون نژادپرستی، تبعیض جنسی، استعمارگری و بیگانه‌هراسی به‌عنوان یک برنامه تأکید دارند؛ در تمام رویکردهای تگفا سه مفهوم قدرت، تاریخ و ایدئولوژی الزاماً وجود دارند. نکته بعد این که زبان‌شناسی انتقادی و تگفا در تکاپوی ممانعت از ایجاد رابطه‌ای ساده میان متن و جامعه هستند؛ یعنی ایجاد، تفسیر، تبیین و شناسایی معانی نهفته در هر گفتمان به‌صورت تاریخی انجام می‌شود و در ظرف زمان و مکان رخ می‌دهد. ساختارهای سلطه‌ای که به‌وسیله استدلال‌های ایدئولوژیک گروه‌های ذی‌نفوذ مشروعیت می‌یابند، موجب می‌گردد تا نتوان فشارهایی که از مقاومت در برابر قدرت نابرابر به‌صورت قراردادهای اجتماعی جلوه می‌کند، مورد تفسیر و تحلیل قرارداد. در دیدگاه انتقادی تحلیل گفتمان، فرآیندها و ساختارهای مسلط موجب نهادینه شدن قراردادهای می‌شود و آن‌ها را طبیعی جلوه می‌دهند (Wodak 2001:3) تحلیل گفتمان انتقادی به ابعاد گفتمانی سوءاستفاده از قدرت، تبعیض و بی‌عدالتی پرداخته و توجه به مباحث مهم اجتماعی در کانون آن قرار دارد. تگفا در پی آن است تا از طریق تحلیل گفتمان درک بهتری از موضوعات اجتماعی فراهم آورد. از نظر ون دایک (۲۰۰۵) محورهای اصلی تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا) عبارت‌اند از: نشان دادن مسائل اجتماعی، تبیین روابط قدرت استدلالی، برابری نسبی گفتمان با جامعه و فرهنگ، انجام گرفتن کار ایدئولوژیکی، تاریخی و اجتماعی و ایفای نقش واسط میان متن و جامعه به‌وسیله گفتمان و تفسیری و توصیفی بودن تحلیل گفتمان.

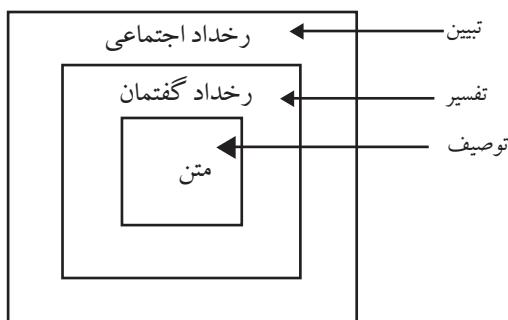
### ۳-۱. نظریه نورمن فرکلاف: گفتمان و زبان به‌مثابه کردار اجتماعی

نورمن فرکلاف در مطالعات خود، برای رویکرد خود در حوزه زبان و گفتمان، عنوان «مطالعه زبان انتقادی» برگزید. هدف این رویکرد از نظر فرکلاف، ایجاد تمرکز بر روی زبان اجتماعی استثنای برای آگاهی‌بخشی در مورد روابط است. الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف از رابطه دوجانبه و تعامل بین قدرت و زبان سرچشمه می‌گیرد. فرکلاف مفهوم انتقادی را باهدف نشان دادن ارتباطاتی که از دید مردم پنهان است، مانند ارتباطات میان مؤلفه‌های زبان، قدرت و ایدئولوژی به کار می‌گیرد. این شیوه مطالعه، به تحلیل ارتباطات دوسویه اجتماعی می‌پردازد؛ تعاملاتی که در آن‌ها تکیه روی عناصر زبانی است و مشخص نمودن عوامل تحدیدکننده

نهفته در روابط اجتماعی و تأثیرات آن‌ها روی این روابط است. فرکلاف دو نوع «قدرت در زبان» و «قدرت در پشت زبان» را طرح می‌کند. گفتمان از دیدگاه فرکلاف، در بردارنده متن و شناخت‌های اجتماعی تولید و تفسیر متن است و این شناخت‌های اجتماعی به سه سطح متفاوت سازمان اجتماعی؛ یعنی سطح اول «شرایط اجتماعی» یا «محیط اجتماعی بلا فصل» که گفتمان در آن حادث شده است، سطح دوم «نهاد اجتماعی» که گفتمان را در یک گستره‌های وسیع شامل می‌گردد و سطح سوم «جامعه»، به منزله یک کل؛ مربوط هستند.

فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند: ۱. گفتمان به مثابه متن؛ ۲. گفتمان به مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن؛ ۳. گفتمان به مثابه زمینه متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی است. در نظریه فرکلاف تکفا عاملی است که به واسطه آن، علوم اجتماعی و زبان‌شناسی در یک چارچوب تئوریک و تحلیلی واحد، با یکدیگر جمع می‌شوند و دیالوگی در میان آن‌ها ایجاد می‌شود (فرکلاف ۱۳۷۹: ۱۶۸-۹۶).

به همین ترتیب الگوی سه‌لایه فرکلاف برای تحلیل گفتمانی جنبه‌های زیر را در برمی‌گیرد: اول جنبه «متن» که تحلیل زبان‌شناختی و تحلیل بینامتنی را شامل شده و گفتار، نوشتار، نمادهای بصری یا ترکیبی از همه این موارد را در بردارد. جنبه دوم «کردار گفتمانی» که شامل تولید و مصرف متون می‌شود و جنبه سوم «کردار اجتماعی» که ابعاد سیاسی و فرهنگی یک رویداد ارتباطی را در برمی‌گیرد (Fairclough 1995:98) فرکلاف سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین را برای تحلیل گفتمان انتقادی مطرح می‌کند. الگوی سه‌لایه‌ای فرکلاف به صورت زیر است:



جدول ۱- الگوی سه‌لایه‌ای تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

مرحله توصیف، با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد. مرحله تفسیر به ارتباط میان متن و تعامل پرداخته و متن را، محصول فرآیند تولید و منبع فرآیند تفسیر قلمداد می‌نماید و مرحله تبیین به بیان ارتباط بین تعامل و بافت اجتماعی و اینکه چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر جامعه قرار دارند، دلالت دارد. هر سه مرحله به تحلیل مربوط است؛ اما ماهیت آن در هر مرحله متفاوت است. تحلیل در مرحله توصیف به برجسب دهی ویژگی‌های صوری متن اکتفا می‌کند و متن را به مثابه شیء در نظر می‌گیرد. در مرحله تفسیر، تحلیل گفتمان به تحلیل فرآیندهای شناختی شرکت‌کنندگان<sup>۱</sup> و تعاملات میان آن‌ها می‌پردازد. در مرحله سوم یعنی تبیین نیز ارتباط میان رویدادهای اجتماعی<sup>۲</sup> (تعاملات) با ساختارهای اجتماعی را بیان می‌کند که هم بر رویدادها تأثیر می‌گذارند و هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند (آقا گل زاده ۱۳۸۶: ۴۳-۴۲).

### ۲-۳. مرحله توصیف متن

فرکلاف از دستور نقش‌گرای هلیدی به‌عنوان یک نظریه‌زبانی برای تحلیل متن استفاده می‌کند. در مرحله توصیف که مرحله اول تحلیل گفتمان انتقادی است، ضمن تمرکز بر واژه‌ها و وجوه دستوری و تحلیل زبان‌شناختی متن، به جستجوی «ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی» موجود در متن که فرکلاف آنان را «ارزش‌صوری» متن نام‌گذاری نمود، می‌پردازد. ارزش تجربی سرنخی از روش به دست می‌دهد که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی شده و به محتوا، دانش و اعتقادات مربوط است. ارزش رابطه‌ای، ردپا و سرنخی از آن دسته از روابط اجتماعی به دست می‌دهد که از طریق متن در گفتمان به مورد اجرا درمی‌آید، ارزش رابطه‌ای با روابط اجتماعی سروکار دارد. ارزش بیانی ردپا و سرنخی از ارزشیابی تولیدکننده از بخشی از واقعیت را ارائه می‌دهد که مرتبط با این ویژگی است. ارزش بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد (فرکلاف ۱۳۷۹: ۱۷۲). البته توصیف متن شامل عناصر دیگری همچون توجه به ضمایر، استعاره‌ها، کنش‌گفتارها و موارد دیگر موجود در متن نیز می‌شود. از نظر سلطانی (۱۳۸۳) تحلیل متن<sup>۳</sup>، شامل دو گونه تحلیل زبان‌شناختی و تحلیل بینامتنی<sup>۴</sup> است که مکمل یکدیگرند.

- 
1. Participants
  2. Social events
  3. text analysis
  4. intertextuality analysis



**۳-۳. مرحله تفسیر<sup>۱</sup> متن**

مرحله دوم تحلیل گفتمان انتقادی تفسیر است. به نظر فرکلاف، دستیابی مستقیم به تأثیرات ساختاری بر شالوده جامعه از طریق ویژگی‌های صوری متن امکان‌پذیر نیست، چون نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است و این رابطه را بیش از هر چیز گفتمان، که متن بخشی از آن است، برقرار می‌کند. ارزش ویژگی‌های متنی فقط با واقع شدن در تعامل اجتماعی، جنبه واقعی می‌یابد و از نظر اجتماعی نیز عملی می‌شود؛ بنابراین متون بر اساس پیش‌فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم<sup>۲</sup> که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر می‌شوند (فرکلاف ۱۳۷۹: ۲۱۴).

**۳-۴. مرحله تبیین<sup>۳</sup> متن**

هدف از مرحله تبیین که مرحله سوم تحلیل گفتمان انتقادی است، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و مبین تأثیرات بازتولیدی گفتمان‌ها بر ساختارهای اجتماعی هستند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. تبیین در نظر گرفتن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت است. منظور از تبیین تأثیر متقابل گفتمان بر ساختارها و از سویی ساختارها بر گفتمان‌هاست (فرکلاف ۱۳۷۹: ۲۴۵).

**۴. تحلیل داده‌ها**

در این قسمت تحلیل و بررسی یک فراز از کلام امام پیرامون دانشگاه ارائه می‌گردد. این فراز در دو بخش جداگانه، قسمت اول توصیف و قسمت دوم تفسیر و تبیین در سطوح متن و عناصر گفتمانی تحلیل خواهد شد.

**۴-۱. کلام امام:**

(۱) ما هفتادسال یا بیشتر است (۲) که دانشگاه داریم، (۳) از زمان امیرکبیر تا حالا ما مدرسه داشتیم، (۴) دانشگاه داریم، (۵) نگذاشتید (۶) که این دانشگاه‌ها درست درس بخوانند. (۷)

- 
1. Interpretation
  2. Commen sense
  3. explanation

فرهنگ ما فرهنگ استعماری است. (۸) فرهنگ است (۹) که درست کردند آن‌ها برای ما؛ (۱۰) دیکته کردند. (۱۱) نمی‌گذارند (۱۲) جوان‌های ما تحصیل نکنند. (۱۳) آن‌ها نمی‌گذارند (۱۴) که ما رشد بکنیم. (۱۵) آن‌ها دستشان را بردارند، (۱۶) ایرانی کمتر از این‌ها نیست. (۱۷) ایرانی هم رشد می‌کند، (۱۸) اما شما نمی‌گذارید (۱۹) که ما رشد کنیم؛ (۲۰) برای اینکه اگر ما رشد کنیم (۲۱) منافع شما در خطر است. (۲۲) شما می‌خواهید همه شرق را بخورید و (۲۳) همه شرق را عقب نگه‌دارید (۲۴) عقب نگه‌داشتن برای خوردن مال شرق است. (۲۵) و شما شرق را دارید عقب نگه می‌دارید (۲۶) که هر چه دارند (۲۷) بخورید. (۲۸) هر جا یک مأموری گذاشتند سر آن؛ (۲۹) در مملکت ما هم که «مأمور برای وطن» آقای شاه است (۳۰) که می‌بینید (۳۱) چه کرده و (۳۲) چه می‌کند. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۹۱).

#### ۲-۴. سطح توصیف

##### ۱-۲-۴. توصیف در سطح کلمه (واژگانی)

**الف. واژگان دارای بار معنایی منفی:** نگذاشتید، فرهنگ استعماری، نمی‌گذارند جوان‌های ما تحصیل نکنند، آن‌ها نمی‌گذارند که ما رشد بکنیم، خطر، می‌خواهید همه شرق را بخورید، شرق را عقب نگه‌دارید، عقب نگه‌داشتن برای خوردن مال شرق، شما شرق را دارید عقب نگه می‌دارید که هر چه دارند، بخورید، هر جا یک مأموری گذاشتند، مأمور برای وطن.

**ب. واژگان با بار معنایی مثبت:** دانشگاه داریم، مدرسه داشتیم، درست درس بخوانند، فرهنگ، تحصیل کردن، رشد کردن، منافع.

**ج. هم‌معنایی:** درس خواندن و تحصیل کردن، عقب نگه‌داشتن و اجازه رشد ندادن.

**د. تقابلی واژگانی:** رشد کردن و عقب نگه‌داشتن.

**ه. با هم‌آیی متداعی:** گروه اول: دانشگاه، جوان، تحصیلات، مدرسه، امیر کبیر، رشد، تحصیل، فرهنگ؛ گروه دوم: استعمار، دیکته، شرق، منافع، عقب نگه‌داشتن، مأمور، شاه، مملکت.

**و. عبارات ارجاعی:** ما، این، آن‌ها و این‌ها.

**ز. ویژگی‌های ادبی:** در جمله‌های (۵) و (۶) «نگذاشتید که این دانشگاه‌ها درست درس بخوانند.» منظور از دانشگاه‌ها؛ یعنی دانشجویان دانشگاه نه خود ساختمان و محیط فیزیکی دانشگاه؛ دانشگاه در معنای حقیقی خود به کار نرفته است همین‌طور به دانشگاه رفتار و شخصیت انسانی بخشیده است؛ بنابراین دارای آرایه مجاز و صنعت تشخیص است.

- در جمله (۱۰) «دیگته کردند» استعاره از اطاعت بی‌قید و شرط ایران از سوی آمریکا است.
- در جمله (۱۸) و (۱۹) «اما شما نمی‌گذارید که ما رشد کنیم» کنایه از رشد عقلی و فرهنگی است نه رشد جسمی.
- در جمله (۲۲) «شما می‌خواهید همه شرق را بخورید» آمریکا به آدمی تشبیه شده و شرق به غذایی که قرار است خورده شود. همین‌طور شرق به‌جای خاورمیانه به‌ویژه ایران و خوردن به‌جای تصرف کردن به‌کاررفته است. (آرایه مجاز و تشخیص)
- در جمله (۲۳) «شما شرق را دارید عقب نگه می‌دارید» این‌گونه تصور می‌شود که کسی با دو دست محکم ایران را به‌مانند شیء ای به عقب هل می‌دهد تا به جلو و به‌پیش نرود. منظور از عقب نگه‌داشتن عقب‌ماندگی در علم و دانش و فرهنگ و... است. نوعی شخصیت بخشی در متن بوده و شرق مجاز از ایران است.

#### ۲-۲-۴. توصیف در سطح جمله

الف. اتصال و انفصال گفتمانی: که به سه طریق گسستگی کنشگری، گسستگی زمانی و گسستگی مکانی ظاهر می‌گردد. گسستگی کنشگری که در قالب گسستگی از «ما» و «یم» اول‌شخص جمع در چهار جمله اول و تبدیل آن به «ید» دوم‌شخص جمع و خطاب به دشمنان و آمریکا و «ند» سوم‌شخص جمع در جمله‌های پنجم و ششم نشان داده شده است و این اتصال به‌صورت ضمائر منفصل و متصل تا جمله (۱۷) استمرار می‌یابد. در جمله (۱۸) گسستگی کنشگری به دوم‌شخص جمع رخ می‌دهد و این اتصال و انفصال تا پایان متن ادامه دارد به‌گونه‌ای که در جمله (۳۰) گفته پرداز با مخاطب قرار دادن حاضران در جلسه و استفاده از ضمیر دوم‌شخص جمع در فعل «می‌بینید» این اتصال و انفصال تکرار می‌شود. گسستگی زمانی به‌صورت انفصال از زمان «حال» که دلالت بر زمان ادای جمله دارد به زمان «نه حال» که دلالت بر زمانی غیر از زمان ادای جمله دارد. همانند انفصال زمانی به‌صورت تغییر زمان حال ساده در جمله اول و دوم به زمان گذشته ساده در جمله (۳) و مجدداً برگشت به زمان حال ساده در جمله (۴) و ادامه این انفصال زمانی در جملات بعدی تا پایان متن مشاهده می‌شود. گسستگی مکانی به معنای گسستگی از «اینجا» گوینده و رفتن به سوی «نه اینجا» که دلالت بر مکانی دیگر است که در این متن مشاهده نمی‌شود. ب. تقطیع نحوی-گفتمانی: جمله‌های فوق از لحاظ ساخت نحوی و گفتمانی ویژگی‌هایی دارند که در جدول ۲ نشان داده می‌شود.

شماره	آغازگر	پایان بخش	نوع فعل	گروه فعلی	زمان افعال	گروه اسمی	وجه فعل	گروه حرف اضافی
۱	ما (نهاد مستدالیه)	هفتاد سال یا بیشتر است	ربطی	هفتاد سال یا بیشتر است	حال ساده	هفتاد سال یا بیشتر	لازم	در
۲	که (نهاد فاعلی محذوف: ما)	دانشگاه داریم	اصلی	دانشگاه داریم	حال ساده		متعدی	
۳	از زمان امیر کبیر (تا حالا) (نهاد فاعلی محذوف: ما)	مدرسه داشتیم	اصلی	مدرسه داشتیم	گذشته ساده	زمان امیر کبیر	متعدی	از زمان؛ تا حالا
۴	(نهاد فاعلی محذوف: ما) دانشگاه	داریم	اصلی	دانشگاه داریم	حال ساده		متعدی	
۵	نهاد فاعلی محذوف (شما)	نگذاشتید	اصلی	نگذاشتید	گذشته ساده منفی		لازم	
۶	که این دانشگاه‌ها	درس بخوانند	اصلی	درس بخوانند	حال التزامی	این دانشگاه‌ها	متعدی	
۷	فرهنگ ما (نهاد مستدالیه)	فرهنگ استعماری است	ربطی	فرهنگ استعماری است	حال ساده	فرهنگ ما؛ فرهنگ استعماری	لازم	
۸	نهاد فرهنگ ما محذوف	فرهنگی است	ربطی	فرهنگی است	حال ساده		لازم	

شماره	آغازگر	پایان‌بخش	نوع فعل	گروه فعلی	زمان افعال	گروه اسمی	وجه فعل	گروه حرف اضافه‌ای
۹	که آن‌ها (نهاد فاعلی) برای ما	درست کردند	مرکب	درست کردند	گذشته ساده		متعدی	برای ما
۱۰	(نهاد آن‌ها محذوف)	دیکته کردند	مرکب	دیکته کردند	گذشته ساده		متعدی	
۱۱	(نهاد آن‌ها محذوف)	نمی‌گذارند	اصلی	نمی‌گذارند	حال استمراری منفی		لازم	
۱۲	چون‌های ما (نهاد فاعلی)	تحصیل بکنند	مرکب	تحصیل بکنند	حال التزامی			
۱۳	آن‌ها (نهاد فاعلی)	نمی‌گذارند	اصلی	نمی‌گذارند	حال استمراری منفی		لازم	
۱۴	که ما (نهاد فاعلی)	رشد بکنیم	مرکب	رشد بکنیم	حال التزامی		لازم	
۱۵	آن‌ها (نهاد فاعلی)	دانششان را بردارند	ساده	دانششان را بردارند	حال التزامی	دانششان را	متعدی	
۱۶	(ایرانی (نهاد مسندالیه	کمتر از این‌ها نیست	ربطی	این‌ها نیست		ایرانی	لازم	از این‌ها
۱۷	ایرانی (نهاد فاعلی) هم	رشد می‌کند	مرکب	رشد می‌کند	حال استمراری	ایرانی	لازم	

شماره	آغازگر	بایان‌بخش	نوع فعل	گروه فعلی	زمان افعال	گروه اسمی	وجه فعل	گروه حرف اضافه‌ای
۱۸	اما شما (نهاد فاعلی)	نمی‌گذارید	اصلی	نمی‌گذارید	حال استمراری منفی		لازم	
۱۹	که ما (نهاد فاعلی)	رشد کنیم	مربک	رشد کنیم	حال التزامی		لازم	
۲۰	برای اینکه اگر ما (نهاد فاعلی)	رشد کنیم	مربک	رشد کنیم	حال التزامی		لازم	برای اینکه اگر ما
۲۱	منافع شما (نهاد مسندالیه)	درخطر است	ربطی	خطر است	حال ساده	منافع شما	لازم	درخطر
۲۲	شما (نهاد فاعلی)	می‌خواهید همه شرق را بخورید	می‌خواهید بخورید: فعل یجهمی	شرق را بخورید	حال استمراری؛ حال التزامی (حال مستمر)	همه شرق	متعدی	
۲۳	و همه شرق را	عقب‌نگه‌دارید	نگه‌دارید: فعل مربک	نگه‌دارید	دارید: حال ساده	شرق را	متعدی	
۲۴	عقب‌نگه‌داشتن (نهاد مسندالیه)	برای خوردن مال شرق است	مصدری ربطی	مال شرق است	حال ساده	مال شرق؛ عقب‌نگه‌داشتن	متعدی	برای خوردن مال شرق

شماره	آغازگر	پایان‌بخش	نوع فعل	گروه فعلی	زمان افعال	گروه اسمی	وجه فعل	گروه حرف اضافه‌ای
۲۵	نهاد فاعلی شرف را (شما)	دارید عقب نگه می‌دارید	دارید عقب نگه نمی‌دارید فعل وجهی؛ نگه می‌دارید؛ فعل مرکب	نگه می‌دارید	مضارع مستمر مرکب	شرف را	متعدی	
۲۶	که هر چه (شرف)؛ نهاد فاعلی محذوف	دارند	اصلی	هر چه دارند	حال ساده		متعدی	
۲۷	شما؛ (نهاد فاعلی محذوف)	بخورید	اصلی	بخورید	حال التزامی		متعدی	
۲۸	هر جا (نهاد فاعلی)	گذاشتند سر آن	اصلی	گذاشتند سر آن	گذشته ساده	یک مأموری	متعدی	
۲۹	در مملکت ما نهاد مسندالیه هم (که)	«مأمور برای وطن» آقای شاه است	ربطی	شاه است	حال ساده	مأمور برای وطن؛ آقای شاه	لازم	در مملکت ما؛ برای وطن

شماره	آغازگر	پایان بخش	نوع فعل	گروه فعلی	زمان افعال	گروه اسمی	وجه فعل	گروه حرف اضافه‌ای
۳۰	که (شما: نهاد فاعلی)	می‌بینید	اصلی	می‌بینید	حال استمراری		متعدی	
۳۱	(او: نهاد فاعلی)	چه کرده	مرکب	چه کرده	گذشته (پایه مفعولی)			
۳۲	و	چه می‌کند	مرکب	چه می‌کند	حال استمراری			

جدول شماره ۲ تحلیل ساخت نحوی و گفتمانی داده‌ها



**۳-۴. سطوح تفسیر و تبیین**

در سطح تفسیر، اصلی‌ترین مخاطبین حضوری امام در این فراز از سخنرانی، دانشگاهیان و فعالان حوزه و دانشگاه هستند. تحلیل کلام امام خمینی پیرامون دانشگاه در سطح تبیینی مبین عمق نگاه و توجه ایشان به این نهاد مهم اجتماعی بوده و نشان می‌دهد که در چارچوب فکری و اعتقادی امام، دانشگاه مبدأ و کانون تحولات اجتماعی و فرهنگی و محور «اصلاح یا انحراف» جامعه و «آبادانی یا ویرانی» کشور محسوب می‌شود. کلام امام علاوه بر ویژگی صراحت لهجه، دارای برخی مؤلفه‌های گفتمانی است که به صورت زیر تحلیل می‌گردد.

**۱-۳-۴. پیشینه دانشگاه از دوره امیرکبیر**

در جمله اول امام به پیشینه و قدمت دانشگاه و تأسیس آن در کشور اشاره می‌کند و با ذکر نام امیرکبیر که پایه‌گذار اولین دانشگاه (دارالفنون) در ایران است، به نوعی تأکید بر این دارد که تاریخ جدید کشور و شروع فعالیت‌های علمی و دانشگاهی جدید از دوره امیرکبیر بوده است؛ اما از نظر امام دخالت خارجی‌ها در مباحث اصلی دانشگاه از جمله در محتوای علمی و آموزشی آن مانع ایفای نقش اصلاح‌گری و پیشتازی دانشگاه بوده و این امر سبب عقب‌ماندگی کشور شده است. «ما هفتادسال یا بیشتر است که دانشگاه داریم، از زمان امیرکبیر تا حالا ما مدرسه داشتیم، دانشگاه داریم، نگذاشتید که این دانشگاه‌ها درست درس بخوانند.»

**۲-۳-۴. نقش استعمار و استبداد**

در ادامه طرح بحث استعمار، تبیین‌کننده انگیزه بیگانگان از این نوع برخورد با دانشگاه از نگاه امام است. موضوع مهم اینکه امیرکبیر هم در پیشبرد برنامه‌های اصلاحی خود با دو مانع استعمار و استبداد مواجه بوده و شاید از منظر امام عامل اصلی عدم رشد ملت‌ها مخصوصاً دنیای شرق و ایران در طی یک قرن اخیر همین دو عامل است و در انتهای این فراز با اشاره به عوامل و به تعبیر امام مأموران آن‌ها از جمله شاه ایران دلایل عقب‌ماندگی بیان می‌شود. «فرهنگ ما فرهنگ استعماری است.»

**۳-۳-۴. عقب‌نگه‌داشتن و نه عقب‌ماندگی**

نکته بعدی تأکید امام بر عقب‌نگه‌داشتن شرق از طرف خارجی‌هاست؛ یعنی به جای اصطلاح معروف «عقب‌ماندگی»، از فعل «عقب‌نگه‌داشتن» استفاده می‌کند که دلالت بر یک عنصر

قه‌ری و بیرونی دارد. استفاده مکرر (چهار بار) از فعل «نگذاشتن» در این فراز و تأکید بر «دیکته» کردن از طرف آن‌ها، حاکی از اعتقاد امام به سنگ‌اندازی بیگانگان در مقابل ایرانی‌ها و ممانعت از پیشرفتشان است. «همه شرق را عقب نگه‌دارید. عقب نگه‌داشتن برای خوردن مال شرق است و شما شرق را دارید عقب نگه می‌دارید».

#### ۴-۳-۴. تأمین منافع استکبار

عامل عقب نگه‌داشتن ایران: علت اصلی برخورد غربی‌ها با سایر ملت‌ها و جلوگیری از رشد آن‌ها تأمین منافع خودشان است و تکرار فعل «خوردن» در این جملات نشان از نگاه منفی امام در رابطه با انگیزه آمریکا و غرب از این نوع برخورد با ایران است. «برای اینکه اگر ما رشد کنیم منافع شما در خطر است. شما می‌خواهید همه شرق را بخورید و همه شرق را عقب نگه‌دارید. عقب نگه‌داشتن برای خوردن مال شرق است؛ و شما شرق را دارید عقب نگه می‌دارید که هر چه دارند، بخورید».

#### ۴-۳-۵. تأکید بر غرور ملی

جمله «ایرانی کمتر از این‌ها نیست» در بردارنده نوعی به چالش کشیدن فرهنگ غرب و توجه به شایستگی‌های ایرانیان از نگاه امام است؛ اما بروز شایستگی ایرانیان که منجر به رشد ایران خواهد شد در تضاد با منافع غربی‌هاست و بنابراین تلاش آن‌ها معطوف به ممانعت از هرگونه حرکت به جلو و رشد ملت ایران است. «آن‌ها دستشان را بردارند، ایرانی کمتر از این‌ها نیست. ایرانی هم رشد می‌کند، اما شما نمی‌گذارید که ما رشد کنیم؛ برای اینکه اگر ما رشد کنیم منافع شما در خطر است».

#### ۴-۳-۶. تقابل مستکبرین و مستضعفین

یکی از ویژگی‌های برجسته کلام امام، گفتمان‌سازی در حمایت از مستضعفین و ستم‌دیدگان جهان در مقابل استعمارگران و مستکبرین است که در این فراز هم این تقسیم‌بندی مشاهده می‌شود. البته کلمه «شرق» در مجموعه سخنان امام در دو مفهوم به کار رفته است یکی در مفهوم ملت‌های فقیر و تحت استعمار که در متن بالا به همین مفهوم به کار رفته است و دیگری در مفهوم شوروی و کشورهای کمونیستی است که در اغلب موارد با عنوان «شرق و غرب» مورد طرد و نفی از جانب امام بوده است.

**۴-۳-۷. صراحت لهجه**

استفاده استعاره‌ای از فعل «خوردن»، به معنای بهره‌کشی، تأمین منافع، سودجویی و منفعت‌طلبی (عموماً به ناحق) در واقع همان مفهوم «استعمار» را دربردارد. استعمار بر وزن استفعال به معنای طلب عمران و آبادانی است و واژه ظاهرالصلاحی است که در درونش مفهوم غارت و چپاول نهفته است؛ اما انتخاب معادل عامیانه آن، یعنی «خوردن» به وسیله امام نوعی رک‌گویی و صراحت لهجه است.

**۴-۴. رابطه متن با قدرت و ایدئولوژی**

در لایه زیرین فراز انتخابی از کلام امام در رابطه با دانشگاه، ایدئولوژی و نوع نگاه امام در خصوص جایگاه این نهاد در قدرت و اداره کشور نهفته است که به بخشی از این موارد اشاره می‌شود:

**۴-۴-۱. دانشگاه؛ مسیر اصلی رشد کشور**

در آغاز این فراز از سخنان امام، تأکید اصلی متوجه دانشگاه و محوریت آن در رشد کشور است. انتخاب واژگانی چون دانشگاه، تحصیل و فرهنگ که رشد کشور از نظر امام بر پایه آن‌هاست و سپس در ادامه تعمیم آن به رشد کشور در حوزه اقتصادی و بلکه رشد همه‌جانبه ایران و حتی رشد کشورهای شرقی را درگرو رشد دانشگاه می‌داند. از نظر امام، رشد و پیشرفت کشور از طریق دانشگاه میسر است و برعکس عقب‌ماندگی کشور هم نتیجه انحراف دانشگاه از مسیر درست است.

**۴-۴-۲. آمریکا؛ مانع رشد ایران**

در چند جمله امام با مخاطب قرار دادن آمریکا (که البته از ذکر نام آمریکا خودداری شده است)، ریشه عدم حرکت درست دانشگاه و متعاقب آن عقب‌نگه‌داشتن کشور را اراده آن‌ها دانسته و بیان داشته است که منفعت آمریکا ایجاب می‌کند تا ملت‌های شرقی رشد و آگاهی نداشته باشند. از دیدگاه امام، اگر آن‌ها (آمریکا) دستشان را بردارند، ایرانی کمتر از این‌ها نیست. ایرانی هم رشد می‌کند؛ اما چون رشد ایرانی، یعنی به خطر افتادن منافع آمریکا، پس آن‌ها به دنبال عقب‌نگه‌داشتن شرق و از جمله ایران هستند.

**۳-۴-۴. نقش دولت‌های دست‌نشانده**

عنوان «مأمور» که در فرهنگ و ادبیات ایرانی در مفهوم فردی است که اوامر و دستورات فرد دیگری را بدون چون و چرا و البته در ازای دریافت حقوق و دستمزد اجرا می‌کند و اشاره امام به برخی دولت‌های وابسته است که در کشورهای شرقی دنباله‌رو سیاست‌های آمریکا هستند. در خصوص ایران هم با تعبیر طنز «مأمور برای وطن» به نقش شاه در تأمین منافع آمریکا و ایفای نقش ژاندارمی در منطقه اشاره می‌کند. «هر جا یک مأموری گذاشتند سر آن؛ در مملکت ما هم که «مأمور برای وطن» آقای شاه است که می‌بینید چه کرده و چه می‌کند.» در دیدگاه امام، شاه مأمور آمریکا بر سر ایرانی‌ها بوده و استقلال مملکت و روی کار آمدن حکومتی غیر وابسته، لازمه پیشرفت کشور است.

**۵. نتیجه‌گیری**

این تحقیق با روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی موضوع دانشگاه در بیانات امام از *صحیفه امام* پرداخته است. پرسش اساسی این تحقیق عبارت است از این که در سطح توصیفی چه راهکارهای زبان‌شناختی در کلام امام برای پرداختن به موضوع دانشگاه استفاده شده است و در سطوح تفسیری و تبیینی کلام امام چه نگرشی نسبت به دانشگاه وجود دارد. در انجام این تحقیق یک فراز از بیانات امام خمینی پیرامون دانشگاه به شیوه هدفمند انتخاب شده و در سطح زیرین و توصیفی به ویژگی‌های زبان‌شناختی از منظر صوری و ساختاری و در سطح زیرین و تفسیر و تبیین به مناسبات، ملاحظات و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک آن پرداخته شد. یافته‌های پژوهش را می‌توان در قالب موارد زیر خلاصه و ارائه کرد.

در تحلیل و توصیف بیانات امام خمینی در سطح واژگان، راهبردها و ویژگی‌های خاصی وجود دارد که به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از این راهبردها عبارت‌اند از: استفاده از واژگان با بار معنایی مثبت و منفی، هم‌معنایی، تقابل واژگانی، با هم‌آیی متداعی، عبارات ارجاعی، به کارگیری صنایع ادبی همچون استعاره، طنز و کنایه. دو رابطه واژگانی با هم‌آیی و تقابل بیشترین کاربرد را در کلام امام نسبت به سایر روابط دارند. واژه «دانشگاه» در کلام امام با کلمات «حوزه، روحانی، جوان، تحصیلات، مدرسه، رشد، تحصیل، فرهنگ، انبیا و مردم» با هم‌آیی دارد. در کلام امام از رابطه واژگانی تقابل در مواردی همانند «شرق و غرب، رشد و عقب‌ماندگی، قدیم و جدید، درد و دوا، فایده و ضرر، سعادت و شقاوت، نجات و تباهی و اصلاح و انحراف» استفاده شده است.

تحلیل و توصیف کلام امام در سطح جمله بیان‌کننده آن است که در اتصال و انفصال گفتمانی که به تولید معنا منجر شده‌اند، بیشترین گسست‌های گفتمانی از نوع کشگری است و گسست‌های زمانی و مکانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. واژه دانشگاه بیشترین جایگاه را در آغازگری جملات دارند و بیشترین جملات از نوع متعدی هستند.

در سطح تفسیر، اصلی‌ترین مخاطب حضوری امام در سخنرانی‌ها و بیانات مورد اشاره در این تحقیق دانشگاهیان و فعالان حوزه و دانشگاه هستند. تحلیل کلام امام خمینی پیرامون دانشگاه در سطح تبیینی مبین عمق نگاه ایشان به این نهاد مهم اجتماعی بوده و نشان می‌دهد که در چارچوب فکری و اعتقادی امام، دانشگاه مبدأ و کانون تحولات اجتماعی و فرهنگی و محور «اصلاح یا انحراف» جامعه و «آبادانی یا ویرانی» کشور محسوب می‌شود. کلام امام علاوه بر ویژگی صراحت لهجه، دارای برخی مؤلفه‌های گفتمانی پیرامون دانشگاه همچون «پیشینه دانشگاه از دوره امیر کبیر، نقش استعمار و استبداد، عقب‌نگه داشتن و نه عقب‌ماندگی، تأمین منافع استکبار، تأکید بر غرور ملی، دانشگاه؛ مسیر اصلی رشد کشور، آمریکا؛ مانع رشد ایران، نقش دولت‌های دست‌نشانده و تقابل مستکبرین و مستضعفین» است که در متن مورد تحلیل قرار گرفته است.

## منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵) *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶) «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، *ادب پژوهی*، شماره ۱.
- اخوان کاظمی، مسعود، سید شمس‌الدین صادقی و رضا دهقانی. (۱۳۹۴) «تحلیل نقش امام خمینی در استعلای گفتمان اسلام‌گرایی در جریان انقلاب اسلامی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۴۲.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام* (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- بهرام‌پور، شعبانعلی. (۱۳۷۸) «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، *مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی*، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- داوری اردکانی، رضا و همکاران. (۱۳۹۱) *زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی*، تهران: هرمس.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۶) *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*، تهران: سمت، چاپ دوم.
- سلطانی، سید علی اصغر. (۱۳۸۳) «قدرت، گفتمان و زبان؛ ساز و کارهای جریان قدرت در مطبوعات»، *رساله دکتری*، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۵) *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناسی گفتمان*، تهران: سمت.

- شهبازی راد، محمدصادق. (۱۳۹۲) «تحلیل گفتمان رهبری انقلاب اسلامی»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ضیایی، محمدصادق، عباس نرگسیان و منیژه کیا منفرد. (۱۳۸۸) «بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولت‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی»، *مدیریت دولتی*، دوره ۱، شماره ۳.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰) *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹) *تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کریمی فیروز جایی، علی و فرحناز نعیمی. (بهار ۱۳۹۶) «تحلیل گفتمان عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی<sup>(س)</sup> بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی معنایی ون لیوون»، *پژوهشنامه متین*، سال نوزدهم، شماره ۷۴.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳) *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵) *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، تهران: هرمس.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۳) *درآمدی به گفتمان‌شناسی*، تهران: انتشارات هرمس.
- یحیایی ابله‌ای، احمد. (۱۳۹۰) «تحلیل گفتمان چیست؟»، *تحقیقات روابط عمومی*، سال دهم، شماره ۶۰.
- Fairclough. N. (1995) *Media discourse*, London: Longman.
- Van Dijk, T. A. (1985) *Introduction: discourse as a new cross discipline*, In T.A.V. (Ed.).
- \_\_\_\_\_ . (2005) *Handbook of Discourse Analysis*, vol: Disciplines of Discourse, New York: Academic Press.
- Wodak, R. Meyer, M. (2001) *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: SAGE Publications.